

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Conflict of Interest in the Prohibition of the Wife's Employment

Fahimeh Khani^{1*}

1. Master in Private Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

* Corresponding Author's Email: DAFTARKHANEH171@gmail.com

ABSTRACT

The present study examines the issue of conflict of interest in the husband's prohibition of the wife's employment. According to Article 1117 of the Civil Code, a husband may prevent his wife from engaging in a profession or industry that is contrary to the interests of the family or the dignity of himself or his wife. However, the implementation of Article 1117 of the Civil Code in certain cases suggests a potential conflict of interest, such that it raises the concern that a husband might exploit the right granted to him under this article to act beyond its intended scope and misuse it for his own personal benefit. The primary question of this study is: In the event that a conflict of interest arises in connection with the application of Article 1117 of the Civil Code, against whom does the husband bear civil liability? The preliminary response that comes to mind is that the husband appears to be liable not only to the wife but also to third parties, provided that the three essential elements of civil liability are established. This study, using a descriptive-analytical method, seeks to assess the relationship between conflict of interest and the husband's prohibition of the wife's employment. It aims to examine the civil liability of the husband in preventing his wife from working in light of the existence of a conflict of interest, and to explain the resulting legal effects and implications.

Keywords: *Conflict of interest, wife, civil liability, employment*

How to cite: Khani, F. (2024). Conflict of Interest in the Prohibition of the Wife's Employment. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(3), 93-105.



تاریخ ارسال: ۲۸ شهریور ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۵ مهر ۱۴۰۳
 تاریخ پذیرش: ۱۸ مهر ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۱ آبان ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

تعارض منافع در منع از اشتغال زوجه

فهیمة خانی^۱

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: DAFTARKHANEH171@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تعارض منافع در منع اشتغال زوجه می‌پردازد. مطابق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. از سوی دیگر اعمال مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در برخی از موارد نوعی از تعارض منافع را به ذهن متصور می‌نماید به گونه‌ای که ظن این امر می‌رود که زوج بتواند با استفاده از حقی که ماده موصوف برای وی در نظر گرفته است فراتر از آن عمل نموده و عملاً از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در جهت منافع شخصی خود سو استفاده نماید. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که در صورت تحقق تعارض منافع در ارتباط با اعمال مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی زوج در برابر چه کسانی مسئولیت مدنی خواهد داشت؟ پاسخی که اجمالاً به ذهن می‌رسد آن است که به نظر می‌رسد زوج هم در برابر زوجه و هم اشخاص ثالث در صورت تحقق عناصر و مولفه‌های سه گانه مسئولیت مدنی، مسئولیت خواهد داشت. پژوهش حاضر بر آن است در چارچوب روش توصیفی تحلیلی ضمن نسبت سنجی تعارض منافع و منع اشتغال زوجه از سوی زوج به مسئولیت مدنی زوج در منع زوجه از اشتغال در پرتو تعارض منافع پرداخته و آثار و پیامدهای حقوقی آن را توضیح دهد.

کلیدواژگان: تعارض منافع، زوجه، مسئولیت مدنی، اشتغال

نحوه استناددهی: خانی، فهیمة. (۱۴۰۳). تعارض منافع در منع از اشتغال زوجه. دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی، ۲(۳)، ۹۳-۱۰۵.

پژوهش حاضر به بررسی تعارض منافع در منع اشتغال زوجه می‌پردازد. هرچند ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی در راستای ریاست زوج بر خانواده این حق را برای زوج در نظر گرفته است که در مواردی بتواند زن خود را از حرفه یا صنعتی بازدارد اما متأسفانه در پاره‌ای از موارد و مصادیق شاهد آن هستیم که زوج برخلاف فلسفه وجودی ماده موصوف و در راستای اعمال حقوق شخصی و فردی خود برآمده و موجب ورود خسارات و ضرر و زیان‌های مادی و معنوی متعددی به زوجه گردیده است همین امر موضوع لزوم نسبت سنجی و ارتباط تعارض منافع و منع زوجه، از اشتغال را بیش از پیش مورد توجه قرار داده است و در این راستا نگارنده با توجه به اینکه در پاره‌ای از موارد برخی از آقایان برخلاف نیت قانونگذار در صدد سواستفاده از مفاد ماده مذکور برآمده و زنان خود را علیرغم شایستگی از حرفه یا صنعتی که در آن اشتغال دارند باز می‌دارند در صدد است با ارائه ضابطه و معیار شفاف و دقیقی مرز بین اعمال حق و تکلیف مقرر در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و منافع شخصی آن را معین و مشخص نماید تا بتوان بین مصالح و منافع خانوادگی و لزوم پاسداری و حراست از آن و سواستفاده از حق موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مرز معین و روشنی ترسیم نمود و از هرگونه تعارض منافع احتمالی جلوگیری نمود. در بند الف ماده ۱ لایحه مدیریت تعارض منافع در انجام وظایف قانونی و ارائه خدمات عمومی که هنوز فرایند تصویب نهایی آن در مجلس شورای اسلامی تمام نشده است در تعریف تعارض منافع چنین می‌خوانیم: تعارض منافع عبارت از موقعیت یا شرایطی است که ترجیح منافع شخصی یا گروهی بر منافع عمومی، می‌تواند منجر به عدم اعمال، صحیح، بی طرفانه و بدون تبعیض صلاحیت‌ها اعم از وظایف و اختیارات شود. پیداست تعارض منافع منحصر در امور عمومی و در سطح کلان مدیریت اجرایی کشور وجود ندارد بلکه می‌توان مصادیق متعددی از تعارض منافع

را مطرح نمود که در مسائل خانوادگی و امور فردی نیز قابل تصور و تحقق است که یکی از مهمترین آن‌ها تعارض منافع احتمالی موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی می‌باشد. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که در صورت تحقق تعارض منافع در ارتباط با اعمال مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی زوج در برابر چه کسانی مسئولیت مدنی خواهد داشت؟ پاسخی که در این ارتباط قابل تصور می‌باشد آن است که به نظر می‌رسد زوج هم در برابر زوجه و هم اشخاص ثالث در صورت تحقق عناصر و مولفه‌های سه گانه مسئولیت مدنی، مسئولیت خواهد داشت. هرچند پژوهش‌های متعددی هم در خصوص منع اشتغال زوجه و تحلیل مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و هم در خصوص تعارض منافع به رشته تحریر در آمده است اما باید دانست که تاکنون هیچ گونه پژوهشی در خصوص موضوع تحقیق حاضر انجام نگرفته است و پژوهش حاضر مفتخر است برای نخستین بار به آن می‌پردازد. در این پژوهش سعی نموده ایم در چارچوب روش توصیفی تحلیلی به بررسی و تجزیه و تحلیل تعارض منافع در منع از اشتغال زوجه و در چهار مبحث بپردازیم. در مبحث نخست مفهوم شناسی تعارض منافع مورد توجه بوده است در مبحث دوم نسبت سنجی تعارض منافع و منع اشتغال زوجه از سوی زوج، و در مبحث سوم نیز مسئولیت مدنی زوج در منع زوجه از اشتغال در پرتو تعارض منافع پرداخته خواهد داشت و در نهایت مبحث چهارم و پایانی پژوهش نیز به آثار و پیامدهای حقوقی مسئولیت مدنی زوج در پرتو تعارض منافع اختصاص یافته است.

۱. مفهوم‌شناسی تعارض منافع

یکی از مفاهیم مهمی که در سالیان اخیر همواره محل بحث و گفتگو میان حقوق‌دانان، سیاستمداران و حتی اقتصاددانان بوده است مفهوم تعارض منافع بوده است. هرچند تعاریف متعددی از تعارض منافع ارائه گردیده است اما تاکنون تعریفی که جامع الاطراف بوده و به همه ابعاد و اجزای مفهومی تعارض منافع

پرداخته شده باشد وجود ندارد اما در عین حال در ادامه به بررسی پاره‌ای از مفاهیم مرتبط با تعارض منافع خواهیم پرداخت و در انتهای مهم‌ترین شاخصه‌ها و معیارهای مرتبط با مفهوم تعارض منافع نیز ارائه خواهد گردید " تعارض منافع با وجود بدهات ظاهری مفهومی پیچیده و چند لایه است که یکی از دلایل عمده آن، دارا بودن انواع و اقسام و موقعیت‌های گوناگون بروز این معضل است. تعارض منافع مفهومی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و قانونی است که مجادله‌ها و ابهامات بسیاری درباره تعریف اجماعی آن وجود دارد، از این رو ضروری است با امعان نظر نسبت به تمام ابعاد و وجوه آن را مدیریت کرد. به دلیل گستردگی مفهومی، ارائه تعریف سلیبی در کنار تعریف ایجابی می‌تواند به تعریف جامع آن یاری رساند. در مقام تعریف سلیبی باید گفت تعارض منافع فساد نیست این در حالی است که در بسیاری از گزارش‌ها و تحلیل‌های غیر رسمی، بین این دو تفکیک گذاشته نمی‌شود. تعارض منافع موقعیتی است که در آن، مقام عمومی، هر اقدامی انجام دهد به یکی از وظایف یا منافع خود آسیب زده است. بنابراین قرار گرفتن در شرایط تعارض منافع، تصمیم‌گیری با آثار سو برای اداره عمومی یا فرد به همراه دارد (Dashti, 2023). در همین ارتباط چنین گفته شده است: "تعارض منافع مجموعه شرایطی است که این خطر را ایجاد می‌کند که تصمیمات یا اقدامات حرفه‌ای یک شخص در ارتباط با منفعت اولیه به صورت ناروا تحت تاثیر یک منفعت ثانویه قرار گیرد. در این تعریف منظور از منفعت اولیه، اهداف بنیادین حرفه یا فعالیت مزبور، نظیر حمایت از منوب‌عنه، سلامتی افراد یا حفظ اعتماد عمومی در انجام وظایف ماموران رسمی است و منظور از منفعت ثانویه منافع شخصی کسی است که تصمیم یا اقدام حرفه‌ای را انجام می‌دهد. برخی دیگر معتقدند تعارض منافع زمانی به وجود می‌آید که منافع خصوصی شخص یا وظایف رسمی وی به روشی غیر مغرضانه در تعارض قرار گیرد." (Badini & Seyyed

Siah Bidi Kermanshahi, 2021). همچنین در تعریف دیگری آمده است "تعارض منافع وضعیتی است که در آن برخی اشخاص در رابطه با موضوع مشخص می‌توانند یک یا چند تصمیم بگیرند که این تصمیم در صورتی که تصمیم گیرنده به نفع افراد خاص تصمیم‌گیری کند تعارض منافع رخ داده است. این افراد خاص هدف قانون نبوده یا تنها بخشی از افرادی هستند که قانونگذار در پی ارائه خدمات عمومی به آن‌ها بوده است. در واقع مقام عمومی با هدفی خاص که غیر از هدف قانونگذار بوده است به این افراد خاص نفعی رسانده است. تعارض منافع زمانی رخ می‌دهد که امور شخصی افراد، وظایف عمومی و رسمی آنان یا منافع مالی با یکدیگر در تعارض بوده و نتیجه منطقی این تلاقی رخ داد تعارض باشد که در این هنگام باید فرد اقدام به حفظ منافع عمومی یا تراضی بین منافع کند." (Vakilian & Davar Derakhshan, 2020). نظر به مراتب مذکور و با توجه به مفاهیم متعددی که از تعارض منافع ارائه گردید و در مقام جمع بندی می‌توان گفت تعارض منافع هنگامی بوجود می‌آید که شرایط ذیل تحقق یابد این شرایط اصولاً در تمام تعاریف مرتبط با تعارض منافع وجود دارد. لذا به منظور فهم و درک موضوع به بررسی عناصر و شاخصه‌های برجسته در مفهوم تعارض منافع می‌پردازیم تا درک درست و دقیقی از تعارض منافع بویژه از جهت مفهومی داشته باشیم. به نظر می‌رسد مهم‌ترین شاخصه‌ها و معیارهای شناخت تعارض منافع عبارتند از: ۱. اولین نکته مهم در تعریف تعارض منافع وجود و تحقق وضعیت و شرایطی است که تعارض منافع را بوجود می‌آورد و این وضعیت و شرایط با توجه به ابعاد مختلف حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تعارض منافع متفاوت و بعضاً متناقض می‌باشد. ۲. دومین عنصر مفهومی مهم در ارتباط با تعارض منافع به این موضوع بر می‌گردد که تعارض منافع هم می‌تواند از سوی اشخاص حقیقی انجام گیرد و هم از سوی اشخاص حقوقی و لذا نباید چنین تصور و برداشتی

نمود که تعارض منافع منحصر از سوی اشخاص حقیقی انجام می‌گیرد. امروزه بخش مهمی از مقوله تعارض منافع از سوی اشخاص حقوقی انجام می‌گیرد که هم می‌تواند ناظر بر اشخاص حقوقی حقوق عمومی و هم اشخاص حقوقی حقوق خصوصی باشد. ۳. سومین شاخص و معیار مهمی که باید در خصوص تعارض منافع در نظر گرفت این است که در ذات و جوهره تعارض منافع نوعی تبعیض و بی‌عدالتی وجود دارد بی‌عدالتی و تبعیضی که ناشی از تصمیم‌گیری حق به جانب و یک طرفه اشخاص اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی می‌باشد. این موضوع مهمی است که باید به آن توجه نمود.

چهارمین عنصر و شاخص مهم در تعریف تعارض منافع آن است که تعارض منافع در صورتی تحقق پیدا می‌نماید که فرد تصمیمی اتخاذ نماید که در آن منافع خود یا دیگری را مدنظر قرار دهد.

۲. نسبت سنجی تعارض منافع و منع اشتغال زوجه از سوی زوج

خانواده به عنوان بخش مهمی از جوامع انسانی به شمار می‌آید که محل دوستی، صمیمت، عشق و فداکاری باید باشد، عرصه‌ای است که در آن منافع خصوصی و شخصی موضوعیت پیدا نمی‌کند. لذا اقتضائات و الزامات تشکیل یک خانواده واقعی و سعادتمند ایجاب می‌نماید که طرفین این رابطه (زوج و زوجه) در حق یکدیگر نهایت صمیمیت، فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی را به کار بندند و به هیچ وجه اولویت زندگی خود را منافع فردی و خصوصی خویش قرار ندهند در غیر اینصورت با نوعی از چالش مهم مواجه می‌شوند چالشی که در نهایت زمینه فروپاشی بنیان‌های خانواده را فراهم می‌سازد. به عبارت دیگر در "خانواده نیز با وجود این ویژگی‌ها، گاهی موقعیت‌هایی نمود می‌یابند که در آن منافع اعضا با یکدیگر در تضاد قرار می‌گیرند به گونه‌ای که اعضای خانواده در سر دو راهی انتخاب بین منافع خود و منافع جمعی و خانوادگی قرار می‌گیرند. در این شرایط اگر اعضا تنها پیگیر منافع خود باشند،

خانواده عرصه کشمکش و مشاجره خواهد شد و پیگیری منافع خانواده، چشم پوشی از نفع شخصی را در پی خواهد داشت. مشاهده زندگی روزمره زوجین نشان می‌دهد که آن‌ها در زندگی خانوادگی بسیار با این موارد مواجه هستند. اشتغال و کسب درآمد، دستیابی به تحصیلات بیشتر، نحوه گذراندن اوقات فراغت، استفاده شخصی از درآمدهای حاصل از اشتغال و غیره از مواردی هستند، که چگونگی پرداختن به آن‌ها، زوجین را بر سر دو راهی انتخاب بین نفع فردی و نفع جمعی و خانوادگی قرار می‌دهد. یکی از امور مهم در این زمینه، معیشت خانواده است که نقش اساسی در تداوم و بقای حیات خانواده دارد. دستیابی به اهداف اقتصادی خانواده، در گرو همکاری همه اعضای آن است. امروزه زنان نیز با اشتغال خود در تولید منابع مالی خانواده مشارکت کرده و نقش بسزایی در پیشبرد اهداف معیشتی خانواده ایفا می‌کنند، اما مشاهدات صورت گرفته در زندگی روزمره زنان شاغل و همچنین مصاحبه‌های اکتشافی نشان داده اند که اختلافات اقتصادی یکی از دلایل اصلی بروز مشاجرات و نارضایتی از زندگی است" (Azadeh & Arami, 2016). تعارض منافع در خصوص منع اشتغال زوجه به وضوح قابلیت تحقق را، دارد در این خصوص مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی چنین اشعار می‌دارد: "شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند." "مطابق اصل ۲۸ قانون اساسی هرکس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. اما از آثار عقد نکاح محدود شدن این اصل است که از آثار ریاست شوهر بر خانواده می‌باشد. به استناد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی و ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳ شوهر می‌تواند از اشتغال زوجه به شغلی که منافی مصالح یا حیثیت خود یا زن باشد ممانعت به عمل آورد. البته تشخیص تنافی با دادگاه است لذا تصمیم گیرنده نهایی دادگاه است و در صورت تشخیص دادگاه بر سواستفاده از حق یا منافی

۳. مسئولیت مدنی زوج در منع زوجه از اشتغال در پرتو تعارض منافع

پس از آشنایی نسبی با مفهوم تعارض منافع و ارتباط آن با موضوع منع زوجه از اشتغال از سوی زوج هم اکنون به مسئولیت مدنی زوج در این ارتباط می‌پردازیم و روشن خواهیم نمود آیا در صورتی که زوج زوجه را به ناحق و با توجه به منافع شخصی خویش و به جهت تعارض منافع مانع استخدام وی گردد آیا مسئولیت مدنی برای زوج قابل طرح می‌باشد یا خیر؟ در این قسمت ۲ فرض قابل تصور را در نظر می‌گیریم:

۳.۱ فرض مسئولیت مدنی زوج

اولین فرض قابل تصور در این خصوص می‌باشد این است که زوج مسئولیت مدنی دارد. همان طور که در بررسی مفهوم تعارض منافع آورده شده "تعارض منافع حالتی است که شخص الف به هر علت مورد اعتماد قرار گرفته و لذا شخص الف مسئول حمایت از منافع شخص یا اشخاص دیگر(ب) می‌باشد با توجه به اینکه در مورد مسئولیت خود دارای نفع شخصی می‌باشد این احتمال وجود دارد که قضاوت وی (انتخاب از میان چند تصمیم) تحت تاثیر منفعت شخصی قرار گرفته و منافع شخص ب را نادیده گیرد" (Badini & Seyyed Siah Bidi Kermanshahi, 2021). بنابراین در این فرایند امکان ورود خسارت و ضرر و زیان به دیگری همواره محتمل است و بایستی سازوکاری شفاف به منظور جبران خسارت زیان دیده وجود داشته باشد تا بتوان به جبران خسارات و ضرر و زیان وی پرداخت. "مسئولیت مدنی عبارت است از التزام و تعهد قانونی شخص به جبران ضرر و زیانی که در نتیجه عمل مستند به او به دیگری وارد شده است. "(Barikloo, 2014). "هرگاه شخصی، با تجاوز به قاعده کلی منع اضرار، به دیگری ضرر بزند، مسئول است خواه به عمد ضرر وارد کرده باشد یا از روی اشتباه و خطا" (Ghasemzadeh, 2011). بنابراین اصل بر جبران خسارت وارده به اشخاص در

نبودن با مصالح خانواده از اعمال حق زوج ممانعت به عمل می‌آورد. " (Roshan, 2014). زوج می‌تواند با سواستفاده از ریاست بر خانواده و به جهت اختیارات و تکالیفی که قانونگذار برای وی در جهت مدیریت خانواده در نظر گرفته است مانع اشتغال زوجه گردد چرا که تشخیص منافی مصالح یا حیثیت خود یا زن بسیار امری حساس و دشوار می‌باشد و در غالب موارد سمت و سوی تشخیص اشتغال زن که منافی مصالح و حیثیت زوج یا زوجه باشد در راستای منافع زوج تفسیر و تعبیر می‌گردد از این رو قانونگذار تشخیص چنین امری را از حوزه تشخیص و صلاحدید زوج خارج نموده و در اختیار دادگاه قرار داده است. در واقع در چنین مواردی دایره مدار بر دو نفع و منفعت می‌باشد منافع و حیثیات و مصالح کلی زوج و زوجه و منافع شخصی و فردی زوج که بر تمایلات و تمنیات فردی و شخصی قرار گرفته است. تعارض منافع طرفین در حالت دوم کاملاً محتمل بوده و می‌تواند منافع زوجه را به شدت تحت الشعاع اقتدار گرایی زوج قرار دهد از این رو تشخیص تعارض منافع و تصمیم گیری در خصوص موضوع با تشخیص درست دادگاه انجام می‌گیرد. در ارتباط با این موضوع می‌توانیم با آوردن مثالی به توضیح موضوع بپردازیم تا بتوان درک درست و دقیقی از موضوع داشته باشیم. به عنوان مثال زوجه سهامدار عمده یک شرکت سهامی می‌باشد و در عین حال زوج نیز در همان شرکت سهامدار بوده و دارای منافع است در این صورت اگر زوج منع اشتغال زوجه را از دادگاه بخواهد زوجه می‌تواند، در مقام دفاع به این موضوع مهم اشاره نماید با توجه به تعارض منافع زوج منع اشتغال زوجه از جهت حقوقی واجد ایراد و اشکال می‌باشد و اگر دادگاه به این تشخیص نرسد که شغل مذکور مغایر حیثیات و مصالح زوج و زوجه است دادخواست زوج را رد خواهد نمود.

شده است از نگاه حق مدار اسلامی نمی‌توان این همه را بهانه نادیده گرفتن حقوق مسلم زوجین و نامشروع قلمداد کردن حق دریافت خسارت تلقی کرد، بلکه اخلاقی بودن توصیه‌هایی مثل گذشت متفرع بر وجود حق مسلم در رتبه سابقه است (Dadmarzi, 2018).

۳.۲ فرض عدم مسئولیت مدنی زوج

این فرض نیز می‌توان در نظر گرفت که زوج در برابر زوجه در صورتی که مانع اشتغال زوجه گردد به هر دلیلی فاقد مسئولیت مدنی است و نمی‌توان مسئولیت مدنی برای وی در نظر گرفت و این موضوع مهمی است که باید به آن توجه داشت. به عبارت دیگر در این فرض می‌توان چند نکته را مطرح نمود که ثابت نماید زوج فاقد مسئولیت مدنی در قبال زوجه خواهد بود. اولین نکته‌ای که در این خصوص واجد اهمیت است این است که امکان اثبات عناصر سه گانه مسئولیت مدنی در این خصوص بسیار دشوار می‌باشد اگر نگوییم غیر ممکن است. بویژه اثبات رابطه سببیت میان ضرر و زیان وارده و فعل زیانبار بسیار دشوار می‌باشد و نمی‌توان به راحتی قائل به این موضوع شد که می‌توان رابطه سببیت را در این خصوص محرز دانست.

"تعیین رابطه سببیت اغلب با دو مشکل مواجه است از یک طرف به ندرت اتفاق می‌افتد که حادثه یک سبب داشته باشد و معمولاً حادثه را عوامل متعددی ایجاد می‌کنند، با این وصف آیا تمام این عوامل بایستی به عنوان علت‌های حادثه شمرده شوند و همه نیز پاسخگو و مسئول باشند؟ از سوی دیگر اغلب اوقات یک حادثه به حادثه دیگر منجر است و حادثه دیگر نیز منجر به حادثه سوم و اهمیت طور ممکن است حوادث به یکدیگر متصل باشند، آیا حادثه اول سبب تمام حوادث بعدی است؟ قطعاً همیشه چنین نیست، اما زنجیره علت‌ها را چگونه باید قطع کرد و کدام یک را باید مسئول دانست" (Haji Noori, 2010). بنابراین اثبات رابطه سببیت میان فعل زوجه و ضرر و زیان وارده همواره به سهولت انجام نمی‌گیرد

صورت ورود زیان می‌باشد و از این رو این اصل یک قاعده کلی در نظام حقوقی کشور ما می‌باشد اما نکته‌ای که در این خصوص باید به آن توجه داشت این است که مسئولیت مدنی زوج در برابر زوجه زمانی موضوعیت پیدا خواهد کرد که عناصر و شاخصه‌ها و مولفه‌های مسئولیت مدنی وجود داشته باشد. ابتدا به توصیف مولفه‌ها و عناصر مسئولیت مدنی خواهیم پرداخت و آنگاه به بیان موضوع مورد بررسی پژوهش می‌پردازیم. "در مباحث مسئولیت مدنی برای تحقق مسئولیت سه شرط لازم است که عبارتند از ۱. ورود ضرر ۲. فعل زیانبار یا تقصیر ۳. رابطه سببیت میان زیان وارده و عمل زیانبار" (Katouzian, 2003). بنابراین با تحقق عناصر سه گانه فوق الذکر زوج در برابر زوجه مسئولیت مدنی داشته و مکلف به پاسخگویی و جبران خسارت می‌باشد. بنابراین مطابق مفاد ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی زوج صرفاً در صورتی این امکان را دارد که زوجه را از شغل خود بازدارد که شغل زوجه یا مخالف مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد در غیر اینصورت و در حالتی که زوج به جهت منافع شخصی و خصوصی خود و در راستای لجاجت با همسر خود زوجه را از کار و حرفه خویش ممانعت به عمل آورد در این صورت مسئولیت مدنی زوج در صورت تحقق شرایط سه گانه مذکور قطعی است و زوجه می‌تواند به منظور جبران خسارات وارده بر خود از طریق محاکم قضایی ذی صلاح اقدام نماید. "قانون مدنی ایران نیز با اقتباس از فقه غنی امامیه، با تفکیک اقتضائات اخلاقی و قانونی از یکدیگر و نیز مرحله برخورداری حق و مرحله استیفای حق، آنجا که پای حقوق انسان‌ها به میان می‌آید، حتی قداست محیط خانواده را دلیل موجهی برای پایمال کردن حق یک انسان، ولو معنوی به عنوان زوج یا زوجه یا ولد باشد به شمار نمی‌آورد. به عبارت دیگر با آنکه در مهمترین منبع فقهی و حتی حقوقی ما، یعنی قرآن کریم روابط زوجین مبتنی بر اصل مودت و رحمت و در واقع بر اساس اصول اخلاقی و کارساز عاطفی همچون صبر و گذشت پایه ریزی

و این رابطه سببیت یکی از دشوارترین و پیچیده ترین عناصر مسئولیت مدنی است که امکان تحقق مسئولیت مدنی زوج در برابر زوجه در خصوص منع اشتغال زوجه را دشوار می نماید و از سوی دیگر اثبات رابطه سببیت امری فنی و پیچیده می باشد که جز از طریق دادرس دادگاه و یا کارشناس مورد وثوق وی انجام نمی گیرد.

۴. آثار و پیامدهای حقوقی مسئولیت مدنی زوج در پرتو

تعارض منافع

یکی از مهمترین موضوعات مرتبط با پژوهش حاضر بررسی آثار و پیامدهای حقوقی مسئولیت مدنی زوج در پرتو تعارض منافع می باشد موضوعی که با فرض مسئولیت مدنی داشتن زوج در برابر زوجه قابلیت تحقق و اعمال را دارد:

۴. ۱ در برابر زوجه

نخستین موضوعی که، در چارچوب آثار و پیامدهای مسئولیت مدنی قابل بررسی است به موضوع مسئولیت مدنی زوج در برابر زوجه می باشد که شایسته است در این قسمت مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد در صورت مسئولیت مدنی داشتن زوج در برابر زوجه، زوج به طرق و سازوکارهای که در ادامه خواهد آمد در برابر زوجه واجد مسئولیت مدنی باشد. نخستین و مهمترین اثر مسئولیت مدنی و رکن رکن آن جبران خسارت می باشد و حقی که در این خصوص بوجود می آید. " شیوه های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول (فاعل زیان دیده) و تابع اهداف مسئولیت مدنی اند. از آنجا، که اهداف مذکور در کلیه نظام های حقوقی یکسان نیستند شیوه های تامین آن ها و اجرای تعهد نیز یکسان نیست. با وجود این عمده ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام های حقوقی عبارتند از جلب رضایت زیان دیده، جبران خسارت و اعاده وضع پیشین زیان دیده. از میان اهداف مذکور نیز جبران خسارت عامل اصلی در تعیین آثار مسئولیت مدنی در تمام نظام های حقوقی است. " (Haji Azizi, 2001). همان طور که

در تعریف تعارض منافع نیز آوردیم در تعارض منافع زوج در اعمال صحیح، بی طرفانه و بدون تبعیض ریاست خود بر خانواده به نحو مطلوب و شایسته عمل نمی نماید و همین امر منجر به تحقق تعارض منافع می گردد. اگر در این فرایند خسارت و ضرر و زیانی متوجه زوجه گردد بایستی به نحو مقتضی جبران گردد چرا که خسارت و ضرر و زیان وارده بر اثر فعل زیانبار زوج و ترجیح منافع فردی بر مصالح خانوادگی انجام گرفته است. در این خصوص می توانیم با آوردن مثال هایی موضوع را روشن و تبیین نماییم. به عنوان مثال امروزه در بسیاری از شرکت های خصوصی به صورت عرف و رویه معمول و رایج در آمده است که فرد قبل از استخدام چک و یا سفته ای با مبالغ هنگفت به کارفرما و شرکت متبوعی که می خواهد در آنجا به استخدام در آید تقدیم نماید و در صورتی که فرد بدون دلیل موجه از دیدگاه شرکت، از شرکت خارج گردد مسئولیت جبران خسارت وارده بر عهده وی می باشد حال اگر زوج بدون دلیل موجهی و بنا بر ترجیح منافع شخصی و فردی خود موجبات اخراج و منع اشتغال زوجه را فراهم آورد بدون تردید رابطه سببیت میان ضرر و زیان وارده و فعل زیانبار وجود دارد و همین امر موجب می گردد که زوج به تقصیر دادخواست حقوقی مطالبه جبران خسارت در محاکم ذی صلاح حقوقی به جبران خسارت خود از زوج بپردازد اصولا جبران خسارت انجام گرفته می تواند هم در قالب جبران خسارت مادی باشد و هم معنوی. مثال دیگری که در این خصوص می توان مطرح نمود این است فرض کنیم زوجه در یک نهاد و موسسه ای مشغول فعالیت و کار است و در عین حال زوج در برابر کارفرمای خود تعهدات و مسئولیت های مشخصی را بر عهده بگیرد و به جهت اصرار زوج و منع اشتغال زوجه از طریق حکم دادگاه، زوجه نتواند تعهدات مالی و غیر مالی خود را در برابر کارفرمای خود انجام دهد در این صورت در حالتی که تعارض منافع به اثبات برسد جبران خسارات مربوطه از سوی زوج امری طبیعی و بدیهی

نفع بودن هم در این ارتباط زمانی ثابت می‌شود که خسارت و ضرر و زیانی به شخص یا اشخاص ثالث وارد شده باشد و مضاف بر اینکه علاوه بر فعل زیانبار بتوان بر اساس رابطه سببیت میان فعل زیانبار و ضرر و زیان وارده رابطه سببیت برقرار کرده و بتوان آن را به زوج قابل انتساب دانست در این صورت زوج در مقابل شخص ثالث نیز واجد مسئولیت مدنی است. در این خصوص می‌توان مثال‌های متعددی مطرح نمود که در این قسمت به یک مثالی که بیشتر به ذهن متبادر می‌شود اشاره می‌نماییم. فرض نماییم زوجه در یک کارگاه فرش بافی مشغول به فعالیت می‌باشد و کارفرمای وی در برابر مشتریان خود تعهداتی در ظرف زمانی مشخص بر عهده گرفته اما به ناگاه زوج بدون دلیل روشن و مشخصی مانع فعالیت همسر خود در کارگاه فرش بافی می‌باشد و به جهت عدم انجام تعهدات قراردادی، کارفرمای زوجه نمی‌تواند به موقع به تعهدات خود عمل نماید و متحمل ضرر و زیان و خسارت می‌گردد در این صورت کارفرمای زوجه می‌تواند علیه زوج دعوای حقوقی مطالبه خسارت مطرح نماید و به حق خود برسد. بار دیگر باید تاکید نماییم که "پدید آمدن زیان به دنبال تقصیر شخص کافی برای احراز رابطه سببیت نیست، بلکه باید ثابت شود که تقصیر، علت فاعلی و پدید آورنده زیان بوده و بدون آن خسارت به بار نمی‌آمده است." (Mohammadi Kord, 2021).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به تعارض منافع در منع از اشتغال زوجه پرداخت. امروز تعارض منافع و لزوم تعارض منافع نداشتن در بسیاری از موضوعات و مسایل کلان و خرد عمومی و خصوصی در جامعه یکی از مهمترین موضوعات به شمار آمده و مطمح نظر می‌باشد به گونه‌ای حتی در پاره‌ای از موارد تعارض منافع داشتن در برخی از امور موجب می‌گردد فردی که در این فرایند حقی از وی ضایع شده است بتواند در محاکم صالح قضایی به طرح دعوا پرداخته و

خواهد بود. نکته مهم در این ارتباط اثبات تعارض منافع از سوی زوجه در دادگاه می‌باشد زوجه باید اثبات نماید این خسارتی که باید به جهت عدم انجام و اجرای تعهدات خود به کارفرما بپردازد به جهت ترجیح منافع شخصی بر مصالح خانوادگی از سوی زوج که منجر به عدم اعمال صحیح، بی طرفانه و بدون تبعیض اصل ریاست زوج بر خانواده بوده است.

در واقع ریاست زوج بر خانواده و بر زوجه دارای محدودیت و چارچوب‌های مشخصی باید باشد "ریاست مرد بر زن و قوامیت شوهر بر زوجه در محدوده‌ی زندگی زناشویی و در حیطه‌ی خانواده می‌باشد و ریاست او در نتیجه‌ی ایجاد علقه‌ی زوجیت و تشکیل خانواده بوده و حفظ مصالح و آرامش این نهاد از هر امر دیگری مهمتر است، پس اگر قرار باشد فردی در این اجتماع کوچک فرمانده مطلق و فرد دیگر فرمانبر صرف باشد، وجود و ادامه‌ی حیات این اجتماع با مشکل مواجه خواهد شد، پس بایستی برای ریاست مرد بر خانواده حدود و مرزی قایل شد" (Parvin Hosseini, 2013). بنابراین ریاست مرد بر خانواده نیز مجوزی برای اعمال اقتدار مطلق و بی چون و چرای زوج و بدون ضابطه و حدود و قلمرو مشخص نمی‌باشد بلکه ریاست مرد بر خانواده ایجاب می‌نماید مرد در صورت ایراد خسارت و ضرر و زیان به زوجه پاسخگوی اعمال خود در قالب نظام مسئولیت مدنی باشد.

۴.۲ در برابر اشخاص ثالث

در صورت احراز شرایط سه گانه مسئولیت مدنی یعنی ورود ضرر و زیان، فعل زیانبار و رابطه سببیت زوج منحصرأ در برابر زوجه واجد مسئولیت نمی‌باشد بلکه در صورت تحقق عناصر سه گانه فوق و ورود ضرر و زیان به اشخاص ثالث زوج باید پاسخگوی اقدامات خود باشد. "بدیهی است که دعوای مسئولیت مدنی باید از سوی زیان دیده اقامه شود، زیرا اقامه دعوی از سوی کسی که ذی نفع دعوی نیست، پذیرفته نمی‌شود" (Safaie, 2014). ذی

به احقاق حق بپردازد. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی هرچند یکی از آثار و پیامدهای ریاست زوج بر خانواده می‌باشد اما در عین حال اعمال حق موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی مطلق نبوده و دارای چارچوب معین و روشنی می‌باشد که در خود ماده نیز آمده است که زوج صرفاً می‌تواند در صورتی که حرفه یا صنعتی که زوجه برگزیده و منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. ناگفته پیداست بایستی علاوه بر منطوق ماده موصوف پاره‌ای از اصول و موازین مسلم حقوقی نیز مورد توجه قرار گیرد تا بتوان درک درستی از حق مندرج در ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی داشت یکی از این اصول و موازین شناخته شده لزوم تعارض منافع نداشتن می‌باشد، اصلی که می‌تواند شاخصه خوب و مطلوبی در خصوص سنجش اعمال حق منع اشتغال زوجه از سوی زوج باشد. هرچند نمی‌توان چنین ادعا نمود که هر زوجی در هر شرایطی در صدد سواستفاده از حق موضوع ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی را دارد اما در عین حال بایستی گفت در موارد متعددی نیز نوعی سواستفاده از حق موضوع ماده مذکور و به نوعی وجود تعارض منافع اجتناب ناپذیر بوده و خواهد بود و از این رو باید این فرصت و امکان برای زوجه فراهم گردد تا در صورت تصبیح حق بر اشتغال خود از سوی زوج بتواند به نحو شایسته در محاکم ذی صلاح قضایی به طرح دعوا بپردازد. یافته‌ها و نتایج تحقیق حاضر مبین آن است که زوج هرچند حق منع اشتغال زوجه را تحت شرایطی دارد اما اعمال این حق مشروط بر این است که هیچ گونه تعارض منافع ملموس و عینی وجود نداشته باشد در این صورت زوجه می‌تواند در وضعیتی که خسارت یا ضرر و زیانی بر وی وارد شده باشد و

این ضرر، و زیان بر اثر فعل زیانبار زوج باشد و میان فعل زیانبار زوج و ضرر و زیان وارده نیز رابطه سببیت وجود داشته باشد در این صورت از حق قانونی مطالبه خسارت و اقامه دعوا علیه، زوج برخوردار باشد. از سوی دیگر اشخاص ثالث نیز از این حق مسلم برخوردار می‌باشند که در صورت تحقق عناصر و مولفه‌های سه گانه مسئولیت مدنی یعنی ضرر و زیان و فعل زیانبار و رابطه سببیت بتوانند علیه زوج در محاکم قضایی طرح دعوا نمایند. هرچند متأسفانه نظام حقوقی ما نتوانسته است تا کنون قانونی جامع در خصوص تعارض منافع و تسری آن به موضوعات و مسائل خانوادگی تصویب نماید اما این امر به معنای نفی حق ذاتی زوجه و اشخاص ثالث متضرر نمی‌باشد که بتوانند مانع سواستفاده زوج از منع اشتغال زوجه و ورود خسارت و ضرر و زیان وارده بر خود شوند اما همان طور که گفته شد اثبات کلیه عناصر سه گانه مسئولیت مدنی و نسبت سنجی آن از سوی محاکم قضایی تا حدودی با دشواری‌هایی مواجه است که لازمه آن تربیت قضات باسواد و فرهیخته و مسلط بر اندیشه مسئولیت مدنی و تعارض منافع است. در پایان برای پژوهشگران محترم در آینده بررسی میدانی مرتبط با موضوع پژوهش حاضر مورد پیشنهاد می‌باشد تا، به صورت ملموس و عینی موضوع پژوهش حاضر مورد استفاده همگانی قرار گیرد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The present study delves into the nuanced interplay between legal authority and personal interest within the framework of family law, specifically focusing on Article 1117 of the Iranian Civil Code, which allows a husband to prohibit his wife from engaging in a profession or industry deemed contrary to family

interests or personal dignity. While the legal provision ostensibly seeks to protect familial and moral integrity, it concurrently opens avenues for misuse and conflict of interest. The authors argue that this provision, when exercised without impartial oversight, may result in the infringement of the wife's right to employment, particularly when the husband's

decision is influenced by personal or financial motives. This investigation begins by establishing a theoretical foundation for the concept of conflict of interest, identifying it as a situation wherein an individual's professional or legal duty is compromised by competing personal gains. In the context of Article 1117, such a conflict emerges when a husband utilizes his legal right not to preserve family welfare but to advance his own interests. Definitions from multiple scholars highlight the multifaceted nature of conflict of interest, emphasizing that it is not inherently equivalent to corruption, but rather represents a precondition that may lead to unethical decision-making if unchecked (Badini & Seyyed Siah Bidi Kermanshahi, 2021; Dashti, 2023; Vakilian & Davar Derakhshan, 2020). The study integrates these perspectives to underline that conflict of interest is a dynamic phenomenon, shaped by social, legal, and psychological variables, and thus requires careful adjudication, particularly in private domains like family law where power imbalances are prevalent.

Building upon this conceptual framework, the study transitions into an analysis of how conflict of interest manifests within marital relations, particularly in cases where the husband invokes Article 1117. The domestic space, ideally governed by mutual respect and shared responsibilities, may become a site of legal manipulation when personal interests supersede collective well-being. The authors argue that while the husband's legal authority stems from the perceived responsibility to safeguard family honor and welfare, this authority can be subverted when it serves individualistic motives. Real-life examples underscore the complexity of such cases—for instance, when a husband and wife are co-investors in a business and the husband seeks to restrict the wife's involvement citing familial interests, but in reality aims to consolidate control over assets or decision-

making. The study highlights that such dynamics can obscure the legitimate application of Article 1117, making it imperative for judicial intervention to assess the genuineness of the claimed conflict. Legal interpretations emphasize that any restriction imposed by the husband must pass judicial scrutiny to determine whether it genuinely aligns with family interests or is merely a pretext for personal gain (Azadeh & Arami, 2016; Roshan, 2014). This judicial oversight, the study argues, is critical for mitigating potential abuse of power and maintaining a balance between legal rights and ethical obligations within the family structure.

In exploring the husband's civil liability when conflict of interest leads to unjustified prohibition of the wife's employment, the study outlines two potential scenarios: the establishment or denial of liability. In the first scenario, liability arises when it can be demonstrated that the husband's actions, motivated by personal interest, result in tangible harm to the wife, such as loss of income, reputational damage, or breach of contractual obligations. Drawing on established legal doctrine, the authors underscore the necessity of proving three key elements: the occurrence of damage, the existence of a wrongful act, and a causal link between the act and the damage (Badini & Seyyed Siah Bidi Kermanshahi, 2021; Barikloo, 2014; Ghasemzadeh, 2011; Katouzian, 2003). Once these criteria are met, the husband's actions may be legally redressable, reinforcing the notion that civil law mechanisms can be effectively mobilized within the private sphere. However, the study also acknowledges the complexity of this process, particularly in establishing causation—a requirement that often hinges on expert testimony and judicial discretion (Dadmarzi, 2018). As such, while the legal system provides avenues for accountability, the evidentiary burden placed upon the wife can serve as a deterrent,

especially in patriarchal contexts where access to legal resources is unequal.

Conversely, the study considers the possibility that the husband might not bear civil liability, particularly in instances where the causal link between his decision and the harm suffered by the wife cannot be conclusively established. This perspective rests on the understanding that causation in legal theory is rarely straightforward, especially in multi-factored scenarios. As highlighted in jurisprudential analysis, the identification of a singular "but-for" cause among multiple contributing factors can be fraught with uncertainty ([Haji Noori, 2010](#)). The authors posit that this ambiguity can allow husbands to evade liability, particularly if they can demonstrate alternative justifications for their decisions or if the wife is unable to provide sufficient evidence of direct harm. This legal loophole underscores a broader systemic issue: the imbalance of power and proof within family law, where subjective assessments of "family interests" can overshadow objective harm. The authors advocate for a more rigorous evidentiary framework and judicial training to navigate these nuances, arguing that without such safeguards, the principle of civil liability may be rendered ineffective in protecting the rights of women.

The legal consequences of a husband's civil liability are then explored, both in relation to the wife and to third parties potentially affected by the prohibition. With respect to the wife, the study outlines the mechanisms through which damages can be claimed and the types of compensation available—both pecuniary and non-pecuniary. Examples illustrate scenarios wherein the wife may suffer material loss due to broken contracts or emotional distress stemming from job loss. In such cases, once liability is established, the husband is obligated to provide restitution, thereby reinforcing the protective intent behind civil liability laws ([Haji Azizi, 2001](#)). In

addition to the spousal relationship, the study notes that third parties, such as employers or business partners, may also suffer economic losses due to the wife's forced withdrawal from employment. Here, too, the authors maintain that if the elements of liability are met—including demonstrable harm and causal linkage—the affected parties have the right to seek redress through legal channels ([Mohammadi Kord Khaili, 2021](#); [Safaie, 2014](#)). This expansion of liability beyond the immediate marital relationship reflects the interconnectedness of social and economic relations in modern legal systems, highlighting the broader implications of private decisions within public spheres.

In conclusion, the study underscores the dual nature of Article 1117 of the Iranian Civil Code: while it grants the husband a legal prerogative to act in the perceived interest of the family, it simultaneously introduces the risk of abuse when wielded without accountability. The findings illustrate that conflict of interest, though conceptually distinct from outright corruption, can manifest in subtle yet impactful ways, particularly within hierarchical family structures. The legal framework, as currently constituted, offers both opportunities and obstacles for redress—opportunities in the form of established doctrines of civil liability and judicial oversight, and obstacles in the evidentiary demands and interpretive flexibility of terms like "family interests" and "dignity." The study concludes by emphasizing the need for judicial clarity, legislative reform, and public awareness to ensure that the protective intentions of the law are not subverted by private gains. It also calls for empirical research to further illuminate the lived realities of women affected by such prohibitions, thereby enriching the normative debates with grounded data. Ultimately, the study contributes to an evolving discourse on the intersection of gender, law, and ethics,

offering a rigorous legal lens through which to interrogate the boundaries of authority and autonomy in family life.

References

- Azadeh, M., & Arami, S. (2016). Investigating Factors Affecting Behavior in Conflicting Situations of Individual and Collective Interests in Families. *Social Analysis Journal*, 8(2). <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1307582/>
- Badini, H., & Seyyed Siah Bidi Kermanshahi, S. (2021). Analysis of the Concept and Instances of Conflict of Interest in Private Law. *Judiciary Law Journal*, 85(116). <https://www.jlj.ir/author.index?vol=0&vl=%D9%87%D9%85%D9%87%20%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87%20%D9%87%D8%A7>
- Barikloo, A. (2014). Civil Liability. <https://ccsenet.org/journal/index.php/jpl/article/download/70317/38343>
- Dadmarzi, S. M. (2018). A Comparative Introduction to Civil Liability in Spousal Relationships. *Jurisprudential and Legal Studies on Women and Family*, 1(1). https://zan-khanevade.urd.ac.ir/article_80200.html?lang=en
- Dashti, M. T. (2023). Conflict of Interest in the Public Sector: Types and Legal Responses (A Jurisprudential and Legal Analysis). *Scientific Quarterly Journal of New Administrative Law Research*, 5IS - 16. <https://ensani.ir/fa/article/549091/>
- Ghasemzadeh, S. M. (2011). *Obligations and Civil Liability Without Contract*. Mizan Publications.
- Haji Azizi, B. (2001). Methods of Compensation for Damages in Civil Liability. *Daneshvar Journal, Bi-monthly Scientific Research, Shahid Beheshti University*, 9(36). <https://www.sid.ir/fa/JOURNAL/ViewPaper.aspx?id=8726>
- Haji Noori, G. (2010). Comparative Study of Causation Approaches in Civil Liability. *Scientific Research Journal of Jurisprudence and Islamic Law*, 1(1). <https://feqh.semnan.ac.ir/author.index?vol=0&vl=%D9%87%D9%85%D9%87%20%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87%20%D9%87%D8%A7>
- Katouzian, N. (2003). *Extracontractual Obligations*. University of Tehran Publications.
- Mohammadi Kord Khaili, H. (2021). Clarifying the Elements of Civil Liability and Compensation Methods for Damages Caused by Internet Communications in Iranian and EU Law. *Scientific Quarterly Journal of Political Sociology in Iran*, 4(3). https://jou.spsiran.ir/article_152177.html
- Parvin, F., & Hosseini, V. (2013). Conditions, Scope, and Legal and Juridical Effects of the Husband's Authority Over the Wife. *Private Law Research*, 2(3).
- Roshan, M. (2014). *Family Law*. Jungle Publications.
- Safaie, S. H. (2014). *Civil Liability (Extracontractual Obligations)*. Samt Publications.
- Vakilian, H., & Davar Derakhshan, A. (2020). Prevention and Management Solutions for Conflict of Interest in the Judicial System from a Comparative Perspective. *Judiciary Law Journal*, 84(109). https://www.jlj.ir/article_38126.html?lang=en